



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سؤالات

سال پنجم - شماره ۱۱۱

صفحه ۴۸۱۷

۳ شنبه ۴ مرداد ماه ۱۳۲۸

فیر، سید محمد هاشمی

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۷۳۹

روزنامه یومیه

## فهرست مندرجات

صورت مشروح مذاکرات صدو نود و هفتمین

سه دور یازدهم از صفحه ۱ تا ۱۴

آگهی های رسمی ۱۰

# مذاکرات مجلس

جلسه ۱۹۷

صورت مشروح مذاکرات جلسه روز دوشنبه سوم مردادماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مشروح مجلس
- ۲ - بیانات قبل از دستور آقایان: تقی زاده - آزاد - وزیر دارائی - امیر تیمور - دکتر اعتبار
- ۳ - قرائت استیضاح آقایان: مکی - دکتر بقائی - حائری زاده و آزاد.
- ۴ - بقیه مذاکره در موضوع نفت.
- ۵ - تقدیم چهار فقره لایحه بوسیله آقای وزیر دارائی: یک فقره راجع به هیئت سازمان برنامه و سه فقره راجع بکار سناسان فنی دانشگاه ودخانیات وادامه مذاکرات نفت.
- ۶ - تعیین مرقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ۹ وچهل و پنج دقیقه صبح بریاست آقای امیر حسین ایلخان

(نایب رئیس) تشکیل گردید

## ۱- تصویب صورت مشروح مجلس

یکی راجع بتشکیل جلسه امروز است بموجب ماده ۱۳۸ که میگوید: جلسات فقط در مورد بودجه آنهم باستثنای روزهای جمعه و دوشنبه تشکیل میشود در صورتیکه مجلس رأی بدهد میتواند روز دوشنبه تشکیل شود دیروز مجلس شورای ملی رأی نداده است در مجله رسمی هم چاپ نشده است بنابراین جلسه امروز برخلاف قانون تشکیل شده مثل تمام کارهایی که برخلاف قانون میشود.

نایب رئیس - در جلسه خصوصی راجع بجلسه امروز صحبت شد و قراش شد و آقایان هم موافقت کردند که امروز جلسه تشکیل شود.

مکی - باید در جلسه رسمی اعلام شود و موافقت شود.

نایب رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ آقای دمقان.

دهقان - در بیاناتی که بنده دیروز کردم اینجا نوشته شده است «در یک چنین موقع بسیار مهم بگذاریم بیچاره مخالف اظهارش را بکنند» بنده بیچاره نکفتم بفرمائید اصلاح کنند.

نایب رئیس - اصلاح میشود آقای مکی در صورت مجلس ایرادی دارید؟

مکی - بنده هم ایراد بصورت مجلس دارم و هم استیضاحی از دولت راجع بنفت

نایب رئیس - استیضاح خوانده میشود توضیحش زیادی است.

مکی - بقیه عرایض راجع بصورت جلسه است.

نایب رئیس - آقای امیر تیمور.  
امیر تیمور - بنده از مقام ریاست محترم تمنا می کنم بقدر دو دقیقه اجازه بفرمائید مراسله ای که جناب آقای سید محمد صادق طباطبائی بمجلس عرض کرده اند و تقاضا کرده اند که مراسله شان بعرض مجلس برسد قرائت کنم.

نایب رئیس - این موضوع مربوط بصورت مجلس نیست و آقام برای قبل از دستور اسم نویسی فرموده اند همانوقت بفرمائید.

آزاد - به آقای رئیس خواهش میکنم قبل از دستور اجازه بفرمائید بنده هم عرایضم را بکنم.

نایب رئیس - دیگر نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست؟ (اظهاری نشد) آقای تقی زاده و آقای آزاد و آقای امیر تیمور اجازه خواسته اند.

مکی - باید طبق آئین نامه استیضاح را بخوانید.  
نایب رئیس - بنده يك تقاضا از آقایان دارم که عصبانی نشوند و رعایت نظامنامه را بکنند و رعایت ادب و نزاکت را از دست ندهند و بگذارند ما کار بکنیم و استدعا می کنم رعایت بفرمائید. آقای تقی زاده بفرمائید.

۲- بیانات قبل از دستور آقایان: تقی زاده  
آزاد وزیر دارائی - امیر تیمور - دکتر اعتبار  
تقی زاده - میدانم که کارهای فوری در مجلس هست و تأسف دارم که وقت مجلس را اندکی میگیرم اما سعی در اختصار می کنم و امیدوارم بیانات بنده بیش از ربع ساعت نباشد اگر چه اندکی اگر بیشتر شد

مردن مذاکرات مشروح یکصدو نود و هفتمین جلسه از یازدهمین دوره قانونگذاری

اداره تدوین و نشر بصورت مجلس - ۵

آقای حاجی لطف فرموده و از سهم خود چند دقیقه موافقت فرموده اند بن بن بدهند

**حاذقی - صحیح است**

**تقی زاده -** بنده در روز اول دیماه سال ۱۲۸۰ هجری شمسی ۶ ذی القعدة ۱۲۴۴ یعنی چهل و دو سال و هفت ماه قبل اولین بار نطقی در مجلس شورای ملی کردم و آنچه بنظر میرسد در مصالح ملک و ملت و منافع هموطنان خود بیان نمودم آن اولین نطق من بود و اینکه این عرایض امروزی من آخرین نطق من در مجلس ملی است. لذا از آقایان محترم همکاران که همیشه جمله لطفی به اینجانب داشته اند اجازه میگویم فقط برای چند دقیقه چند کلمه عرض کنم. تمام زندگی سیاسی من بدون انقطاع و فترت و فتوری در قفقاز و ملت ایران و مخصوصاً طبقات محروم از رفاه و وسعت معاش و تشخیص گذشته و سعی در احقاق حقوق آنها را حفظ و از منافع آنها دفاع کنم و قسمی بسوی آن مقصود و غایب اساسی خود که عبارت از مساوات حقوق آن طبقات کم نصیب با طبقات عالی و با نفوذ بوده بردارم یعنی آنکه این جمع مظلوم یا طبقه محکومه هم دارای حقوق شوند و عدالت و امنیت قضائی و مصونیت جان و مال و شرف و حقوق و رفاه معتدل یا حداقل و صحت بدن و تربیت و معرفت و شرکت در اداره مملکت منحصر بطبقه باثروت یا با نفوذ نشود. یعنی در واقع باصلاح رومیهای قدیم جهد ما این بود که « پلین ها » در حقوق بشری همایه « پاتریس ها » بشوند. در این مرام اگرچه بطور مطلوب کامیاب نشدیم لکن بکلی هم مجاهدات ما بی اثر نمانده و افق آزادی و تحول مانند صبح صادق از دور دیده میشود و اگر بسامان رسیدن کار پیرشانی بیشتر از این هم میخواهد آنهم بطور واضح و سهل نمایان است. و بقول شخصی جهان شهرت جنک اخیر دنیائی اگرچه هنوز در آغاز آخر کار نیستیم گویا در آخر و منتهای آغاز آن هستیم آنچه امروز عرض میکنم خطاب به آیندگان است. اولاً این مملکت بیش از همه چیز محتاج عدالت است که حقوق ضعیفان و اقویاء بحکم عدل محفوظ باشد بطوریکه زورمندان بزور گوئی و ستم قادر نباشند. گفتن این حرف آسانترین کار است و اینها و حکماء و شعراء هزاران سال آنرا گفته اند ولی باید اداره کنندگان مملکت یعنی وزراء و کلاهی برای تأمین این امر اقدام موثری بنمایند و راه آن تسلیم مطلق و کامل امر قضائی و عدالت بسواکم صالحه و تصفیه دستگاه عدلیه از هر عنصر فاسد یا ضعیف یا بی شهامت و با اهل حب و بغض و طرف گیری و عدم دخالت هیچ قوه خارجی بهیچ نوع و بهیچ وجه در آن سیردن کامل و دایع خدایقضا و قضای بغداد است. بلاوه سعی در تنظیم قوانین عادلانه و احتراز از تئیرات سریع قوانین و نسخ و تبدیل بی دردی آنها برای آنکه برای مردم در معاملات زندگی خود تکیه گاه ثابتی بوجود آید. ثانیاً قوانین مالیاتی مملکت باید عادلانه باشد و تعدیل زیادی برصفا نشود و بتناسب دارائی و عایدی از مردم مملکت برای مخارج عمومی چیزی گرفته شود آنچه هم گرفته میشود مانند روغن کمی که بعد اقل باشینها برای سیر و جریان منظم آنها زده میشود باید برای واجبترین و ضروری ترین و حیاتی ترین امور مشترک

عمومی بعد اقل و لابد است و بقول معروف مانند قوت لایموت صرف شود و دیناری زائد بر آن مستعجاب و مستحسنت و حتی واجبات درجه دوم هم خرج نشود و در این زمینه دولت باید از خرید و فروش حوائج ضروری عامه و منفعت در آنها و گرفتن خون مردم ضعیف بوسیله این نوع از مالیات غیر مستقیم با لکل باید صرف نظر و اجتناب نماید و نیز از ایجاد ادارات و دوائر بی لزوم و استخدام اردوئی بیکار و بیکاره از حمایت شدگان طبقه بانفوذ خودداری نموده برای تصفیه دوائر موجوده و مستخدمین زاید نیز نقشه مؤثر و مستمر اتخاذ نماید و در مخارج قوای تأمینیه نیز همین دقت و اکتفا بحد ضرورت را پیشه نماید با رعایت صلح و از مداخلات خصم اینمن نشیند.

شمردن نقائص امور مقدور نیست و باید مهمترین آنها اقتصاد شود و البته اگر عیب گفته شد هنرنیز و در مقابل نقص کامل نیز باید گفته شود مثلاً بحال برخلاف دوره استبداد که تقریباً همه اعمال دولت فقط در پی منافع و فکر فواید شخصی خود بودند حالا بعد از آمدن مردمان وطن دوست و دلسوز بملت و خیرخواه مملکت نیز در بین اعمال دولت و متصدیان امور عامه کم و بیش وجود دارد اگرچه کارها کمتر بدست آنها داده میشود اساس مشروطیت تاحدی مسلم شده و اگر انصاف را میزان حکم قرار بدهیم نقاط زیادی در اوضاع مملکت میتوانیم پیدا کنیم که تا حدی موجب تسلی خاطر و دلخوشی تواند شد در مقابل پادشاهان طماع و بلهوس پادشاهی بی طمع و خوش نیت و خیرخواه داریم که این خود سرمایه عظیمی برای مملکت است و بجای کسانی که برای بر انداختن مشروطیت استغاره بر آن یا استشاره از سفارت خارجی میکردند رئیس مملکتی داریم که بشروطیت و حکومت ملی معتقد است (نایبندگان صحیح است) و همچنین بعضی امور دیگر مایه تسکین خاطر و امید سیر بسوی اصلاح وجود دارد که شمردن آنها نیز موجب اطمینان میشود لکن در میان نقائص عمده و اساسی بعضی قسمت ها وجود دارد که این مملکت برای حفظ بقا و مصونیت از زوال و سیر در طریق اصلاح ناگزیر از سعی و مجاهدت جدی در رفع آنها هست و من میگویم علاوه بر اصلاحات مالی و اقتصادی و جلوگیری از اسرافات که بآنها اشاره کردم دوسه فقره از آنها را بیان کنم یکی از آنها که مانع رشد و رفاه این ملت است مداخله دستگام دولتی است در همه شئون و امور مردم مملکت و این امر که فرنگیها بشکل بهتر آنها « اتانیزم » گویند از اعظم آفات است و یقین است که هر چه دولت و دوائر اجرایی مملکتی و بلدی کمتر در امور مردم دخالت کنند راحت و رفاه مردم بیشتر میشود اگر دم دروازه جلو میوه و باد نجان و زغال را نگرفته و جبراً ببیدان برده فروشی نبرند و عمل آورند گان در فروش مال خود آزاد مطلق باشند مردم شهر هم رفاه بیشتری خواهند داشت. اگر راهداری صد سال پیش را در دم دروازه های شهر ها ایجاد نکرده و عوارضی مانند گمرک از واردات بشهر ها برای مالیات غیر مستقیم جهت بلدیها نیگرفتند (که این اواخر معشری شده) و برای اسفالت خیابانهای شهر جهت اتومبیل معترمین بنا وصله و مقنی برای قندوقماش و ما کولات مصرفی خود مالیات نمیداد زحمت مردم کمتر میشد.

دیگر این که اساس مشروطیت و حکومت ملی روز بروز باید استوارتر شود و تکمیل گردد و پیروی کاملتری از ترتیب ممالک را قیه بشود ولی یک نکته عمده و خیلی اساسی در این باب هست که بدون آن نه مشروطیت و نه آزادی و نه تحریر حقیقت ممکن نخواهد شد و آن تساهل و بقول فرنگیها « تولرانس » یا تحمل عقاید مخالف و انصاف و معقول و متین و اعتدال و خون سردی در مباحثات و اجتناب از تندبها و مرعوب کردن طرف و مخصوصاً تهمت و سوء ظن است و این فقره که بد بخانه مملکت ما در آن باب بی اندازه بدبخت و فقیر است در واقع روح اصلی حکومت ملی و سر اساسی محض حقیقت است دیگر سعی در اصلاح و تهذیب اخلاق اجتماعی و ترویج ملکات راستگویی و درست کاری و شاید از همه بالاتر ایجاد خصلت حیثیت یا شهامت اخلاقی که فرنگیها غالباً بآن « کاراکتر » میگویند و احتراز از نفاق و دورویی و تمایل روزانه بر جبهتی که باد از آن ناحیه میوزد.

بدون این صفات رشد ملی که لازمه حکومت ملی است حاصل نتواند شد. من خیلی حرف دارم و افسوس که وقت مساعد نیست لکن از بیان این نکته آخری نمیتوانم خودداری کنم و آن لزوم مجاهدت عظیم بلکه جهاد مقدسی است برای بر انداختن و ریشه کن کردن یک صفت بسیار بسیار بد و دنی و فوق العاده خطرناک که از چندی باینطرف طاعون مهلك و خیمی برای این مملکت شده و آن داشتن نظر در امورات بخارج و اعتقاد خرافی به نفوذ وهمی آنها و تسلیم اختیاری و بدون جهت بپیل آنها و قبول بندگی و بردگی خارجی از بیم جن یا امید بطف پری که قادر علی کل شیئی هستند. و اگر این عقاید وهمی و شیطانی از این مملکت بر نیفتند هیچوقت این ملت قائم بالذات و سربلند و دارای حیثیت و شخصیت نمیشود و صدقاً و ضریحاً علیهم الذل و المسکنة خواهد بود سخن را کوتاه میکنم و بارواح شهدای آزادی درود میفرستم و در انتظار نهضت آینده ملی دوام مجلس شورای ملی ایرانی که آشیانه و لانه قدیم من بود از دل و جان خواهانم و برای وداع ابدی عتبه مجلس مقدس را میبوسم.

**نایب رئیس - آقای زاد**

**دکتر بقائی -** آقای تقی زاده راجع بنفت بفرمائید.

**دهقان -** مامنتظر بودیم آقای تقی زاده مارا راجع بنفت روشن کنند.

**آزاد -** نظر باینکه مجلس شورای ملی انشاء الله فردا یا پس فردا بسلامتی تمام میشود در این موقع که صحبت نفت در میان است میگویم دو سه کلمه صحبت کنم البته همانطور که بنده از روز اول زندگیم عادت کرده ام معتقد هستم مطالب را بایستی عریان و پوست کنده گفت که در قلب شنونده تأثیر بکند من همیشه صحبت هایم واضح و روشن بوده است الان هم راجع بنفت که خیلی مورد سر و صدای زیادی در بین مردم هست میگویم صحبت کنم عرض کنم موقنی که آقای وثوق الدوله قرارداد ۱۹۱۹ را بست عمدهای بهش اعتراض کردند که شما یک مرد عاقل و فهیمه ای بودید چرا آمدید این قرارداد را بستید آقای وثوق الدوله فقط یک جواب باین اشخاص

که این سؤال را میکردند مباد میگفت که جنک بین المللی اول خاتمه پیدا کرده است دولت انگلیس فاتح است در روسیه هم انقلاب شده است و بحال خودش گرفتار است بنا بر این ما ناچار بودیم که انگلیسها هر چه میکنند قبول کنیم گرچه بنده معتقد هستم که یک مرد وطنپرست برای منافع مملکت خودش باید از جانش هم صرف نظر بکند چه برسد در مقابل فشار بیگانگان حاضر بشود که هر طوری بخواهد عمل بکند. حالا بنده میگویم این قضیه را مطرح بکنم که بعد از جنک ۱۹۱۵ سه دولت در دنیا باقی مانده است که اول دولت آمریکا است دوم دولت روسیه است و سوم دولت انگلستان است یعنی انگلستان در درجه سوم دول امروزی دنیا است و وضعیت داخلی انگلستان الان متعوض است برای اینکه در آنجا حکومت نظامی اعلام شده است ملتی که همیشه آزادی را دوست داشت مجبور شده است که آزادی را از بین ببرد و در اثر وضع داخلی مجبور شده است که حکومت نظامی اعلام بکند وضعیت اقتصادی همه امورش خراب است و اگر آمریکا کمک بهش نکند وضعیتش از هم گسیخته میشود اگر آمریکا دست کمک و مساعدتیش را از سر او بردارد یک اتمه الصباح روسیه است در این صورت من نمیدانم چه مناسبت این رجال سیاسی ما هر چه انگلیس میگوید قبول میکنند هر چه میگوید گوش میکنند؟ بنده میگویم عرض کنم که این آقای تقی زاده که الان اینجا آمد و صحبت کرد روزی آمد و در این مجلس گفت که ما قرارداد را با انگلیسها بستیم در ۱۹۳۳ تحت فشار و زور بوده است حالا من میگویم به بین این لایحه ای که آورده اند در مجلس و می بینیم که یک اشخاصی با حرص و ولع میخواهند این قرارداد را تصویب کنند و خیانت بکنند حالا چه اجباری دارند؟ من میگویم بدانم غیر از این است؟ چنانچه خدای نخواسته این قرارداد در این موقع تصویب شود بزرگترین تنگ ابدی برای کسانی که تصویب میکنند باقی خواهد ماند. میگویم با دلیل ثابت کنم این قرارداد دادی که آقای گلشایان آورده اند یک دینار بملت ایران فایده ندارد و من میگویم آقایان ثابت کنم اینها همه اش سفسطه است. اولاً اگر آقایان ملاحظه فرموده باشند و این قرارداد را خوانده باشند ملاحظه کرده اند که هیچ کس نمیفهمد چه نوشته شده است. این قرارداد را بین آقایان تقسیم کرده اند اگر مواد این قرارداد را یکی یکی بخوانید بقدری پیچیده نوشته اند که هیچکس نمیفهمد اینجا چه نوشته شده است؟ مگر یک اشخاصی که مطلع باشند از مندرجاتی که در این قرارداد درج شده. همین آقای گلشایان که آورده اند شاید چیزی نفهمیدند. حالا چرا این قرارداد را اینطور نوشته اند؟ برای این است که کسی نفهمد منافع این چیست و ضرر این چیست؟ اینقدر پیچیده نوشته اند که هر کس میخواند سردرگم بشود بعد هم دوات نوشته است باین قرارداد که ما بسته ایم یک منافع بملت ایران عاید شده است در صورتیکه ملت ایران از این قرارداد ضرر میکند بنده ثابت میکنم آقایان که مطابق این قرارداد انگلیسها ما نه تنها چیزی ما نداده اند بلکه چیزی هم از ما گرفته اند. این قرارداد متضمن چهار قسمت است یک قسمت راجع به ۵ میلیون لیره بابت ذخیره است، یک قسمت بیست در صد از حق السهم

ایران گفته اند از مالیات معاف باشد. یک قسمت هم تری ۹ پنس را گفته اند تری یک شیلیک. یک قسمت دیگر هم یک تن را از چهار شیلیک بشش شیلیک تری داده اند. بنده می خواهم ثابت کنم که از این قسمت ها نه تنها چیزی ما عاید نمی شود بلکه ضرر وارد میشود. آقای حائری زاده توجه بفرمائید. قسمت اول ۵ میلیون پنج میلیون لیره که از بابت ذخیره ما داده اند من از آقایان می خواستم بی رسم میدانند ذخیره یعنی چه؟ چون بنده رفتم این مطالب را شب پیش از دوسه نفر که متخصص هستند و در وزارت دارائی هستند تحقیقات کردم ذخیره عبارتست از یک مقداری در آمد نفت که کمیانی برای مصارفی که در جاهای دیگری کند هر سال از عایدات بر میدارد. دیروز بیان ۱۹۴۸ شرکت منتشر شده است در آنجا می نویسند در آمد شرکت ۵۲ میلیون لیره. مالیات بر در آمدی که دولت انگلستان گرفته است ۲۸ میلیون لیره. باقی مانده است از برای شرکت ۲۴ میلیون لیره. از این بیست و چهار میلیون لیره شرکت نفت ۱۷ میلیون لیره در ذخیره گذاشته بدون اینکه ما حق بدهد آن وقت ۷ میلیون لیره دیگر مانده است مطابق آنچه اینجا نوشته اند سهم مملکت ایران را از آن مقداری که صاحبان سهام میدهند ما می دهیم یعنی ۷ میلیون لیره باقی گذاشته اند که سهمیه دولت ایران را از این ۷ میلیون لیره میدهند. این قرار دادی که اینجا نوشته شده است اینطور است. مال سال ۲۷ هم اینطور است. مال ۲۸ هم اینطور است. عرض کنم از این پولی که شرکت نفت از درآمد معده می برای ذخیره میکند یک مؤسسه ای در دنیا درست کرده است این مؤسسه تا به ۳۷ مؤسسه بالغ میشود در فرانسه یک مؤسسه در بلژیک یک مؤسسه در عراق یک مؤسسه درست کرده در ونزوئلا درست کرده آقای دکتر بقائی توجه بفرمائید. ۳۷ مؤسسه درست کرده است که قیمت این ۳۷ مؤسسه الان یک میلیارد لیره است. این مؤسسه ای که شرکت نفت در خارج ایران درست کرده یک میلیارد لیره قیمت دارد و این قیمت ها تمام از درآمد نفت بوده است که سهم ایران را نداده اند. یعنی دولت ایران سهم داشته ولی از سهم دولت ایران برداشته اند و این مؤسسه را درست کرده اند. حالا این ۳۷ تنگه ای که شرکت نفت در خارج ایران دارد و یک میلیارد قیمت دارد مطابق قرارداد که خودشان بسته اند دویست میلیون لیره آن متعلق بدولت ایران است برای اینکه از کل برداشته اند یعنی سال گذشته ۳۹ میلیون لیره از ذخیره برداشته است و برای تقویت این ۳۷ تنگه مصرف کرده است. این همان چیزی است که خود شرکت نفت برداشته است منتشر کرده است آنوقت در صورتیکه ما دویست میلیون لیره از بابت این ذخیره ای که شرکت نفت برداشته و در خارج ایران مصرف کرده است طلب داریم ما چه میدهند؟ فقط ۵ میلیون لیره. حالا آقای گلشایان برداشته نوشته که ما ۵ میلیون لیره بشما میدهم در صورتیکه مطابق این صورتهائی که هست ملت ایران از این ذخیره عمومی که در خارج هست دویست میلیون لیره حق داشته است برای اینکه این ذخیره را برداشته اند در خارج گذاشته اند ۲۰ درصد سهمیه ما جزو این پولی بوده است که در این ذخیره گذاشته اند. حالا

که این دوست میلیون لیره سهمیه ما میشود از مؤسسه ای که در خارج دارند. جناب آقای گلشایان آمده لطف کرده حق ایران و تمام اینها را صلح کرده است به ۵ میلیون لیره. این خدمتی است که ما این آقا کرده است. آنوقت آمدند چکار کردند؟ ما آمدیم اگر خاطر آقایان باشد بهتر فحش دادیم که برداشته است یک مفاصا حسابی داده است و آقای ساعد هم گفتند خیر. آقای دهقان هم گفتند خیر چنین چیزی نیست حالا آقای گلشایان در این باره ببینید چکار کرده اند؟ اولاً میدانید آقایان ما چقدر نسبت بشرکت دعوی داریم یکی اینست که در ۱۹۱۴ شرکت نفت. نفت های ایران را در اثر تباخی بخودشان فروخته از قرار تری ۳۰ شیلیک ۳ سال است الان این قضیه ادامه دارد یعنی نفت ایران که تری ۵۷ تومان است و در خارج هم به همین قسمت می فروشد الان هم نفت ایران برداشته اند و فروخته اند یک لیره و نیم. این یکی از دعوی ماست حالا ببینید آقایان آقای گلشایان چه قراردادی برای شما آورده است.

ماده ۹ در مقابل پرداخت مبالغ مزبور از طرف کمیانی دولت و کمیانی موافقت مینمایند که کلیه تمهیداتی که یکی از آنها تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۴۸ نسبت به دیگری در بند الف و بند ب ماده ۱۰ نسبت بماده ۱۱ قرارداد اصلی و آنچه مربوط ب ذخیره عمومی میباشد کاملاً انجام یافته است. یعنی مطابق این قرارداد مانعاً بولها اینکه از انگلیسها طلب داریم و تمام دعوی که داریم آقای گلشایان صلح کردند شما راجع بیک کافندی که هیزر نوشته بود که یک یادو سال را تصفیه کرده بود هزار دفته بهش فحش دادید و اعتراض کردید دولت گفت ما تکذیب کردیم ولی آقای گلشایان و آقای ساعد برداشته اند تمام دعوی ایران را از آن سال تا حالا صلح کرده اند بهیچ چیز شما نخوانده اید این قرارداد را درست در مطالب این دقت نکرده اید که چه خیانت بزرگی بساها کرده اند. چه خیانت بزرگی بملت ایران. بزنها و بچه های ما کرده اند. این قرارداد را خوب بخوانید و بدانید که آقای گلشایان هر چه ما داشته ایم داده است بانگلیسها مفت و مسلم. این قرارداد را بسته اند. آورده اند من بی ربط حرف نمی زنم. ماده ۹ را هم برای آقایان خواندم که تمام دعوی ایران را از بابت ذخیره که دویست میلیون لیره حق مسلم ملت ایرانست از بابت دعوی ۱۹۱۴ که نفت های ما را خریدند به تری ۳۰ شیلیک. تمام دعوی ما را آورده است صلح کرده است بانگلیسها باینکه چه نیت. آنوقت هی فشار می آورند باینکه تصدیق کنید یعنی از دویست میلیون لیره صرف نظر کنید. از اینکه آورده اند ۶۰ سال را ۹۳۰ سال کردند. چرا؟ - برای خاطر کل روی آقای گلشایان که ایشان میخواهند یک خدمتی بانگلیسها بکنند. آنوقت وجدان شما بشما اجازه میدهند که باین رای بدهید و یک چنین قراردادی را امضا کنید؟ (یکی از نمایندگان - چکار با اشخاص دارید؟) من بچه کار دارم. من اعلام جرم هم کرده ام. این اعلام جرمی است که من کرده ام. آقای گلشایان و معا که هم خواهم کرد. آقایان و مسئولی که خیانت میکنند همین اشخاص هستند

که خیانت میکنند و مورد حمله کسان دیگر واقع میشوند. بنده میخواهم یکقسمت دیگر خدمت آقایان عرض کنم قسمت دوم راجع بقضیه ای است که در اینجا نوشته اند که ما ۹ پش را بالا برده ایم بیک شیلینگ بنده میخواهم این قرارداد را برای آقایان بخوانم. ماده ۱۱ میگوید: کمیانی برای مدت سی سال اول عملیات خود در ایران از پرداخت هر گونه مالیاتی که بتبع دولت و ادارات محلی فعلاً برقرار و یاد آریه وضع شود معاف خواهد بود و در عوض مبالغ ذیل را بدولت تأدیه خواهد نموده: الف - در مدت ۱۵ سال اول این قرارداد تاریخ ۲۸ فوریه سال ۱۹۲۴ و برای اولین مرتبه در ۲۸ فوریه سال ۱۹۲۴ نه پش بابت هر تن از شش میلیون تن نفتی که بابت سه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزوالف از ماده ۱۰ میگردد و شش میلیون تن مذکور در فوق نفت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نمود.

ج - در مدت پانزده سال بعدیک شیلینگ بابت هر تن از شش میلیون تن نفتی که بابت سه گذشته مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزو الف از ماده ۱۰ میگردد و نه پش بابت هر تن نفت اضافه بر رقم شش میلیون تن مذکور در فوق تأدیه خواهد نموده این قراردادی که این جا بسته اند مطابق این قرارداد بعد از ۱۵ سال کمیانی موظف بوده است که برای هر شش میلیون تن اول ۹ پش را یک شیلینگ بکنند توجه بکنید الان ۱۵ سال گذشته و الان سال شانزدهم است یعنی در سال ۱۹۳۳ این قرارداد بسته شده است و تا حالا تقریباً ۱۶ سال است طبق این قرارداد - حالا آمده اند یک منتهی بر ملت ایران گذاشته اند و این را یک خدمتی بملت ایران میدانند در صورتیکه میخواهم خدمت آقایان عرض کنم هر لیره مساوی است با بیست شیلینگ هر شیلینگی مساوی است با دوازده پش مطابق نرخ رسمی لیره هر پش تقریباً سه شاهی و نیم میشود و فرض اینکه ما زادش را هم حساب کنیم هر تنی سی شاهی بها داده اند، مثل بچه ای که بانخود کشمش گول میزنند آمده اند ما را گول میزنند و میگویند قبول می کنیم که برای هر تن یک شیلینگ بدیم در صورتی که مطابق این قراردادی که خودشان بستند در سال گذشته اینها موظف بودند که یک شیلینگ بدهند.

**نایب رئیس** - آقای آزاد وقت شما تمام شده است. **آزاد** - آقای رئیس اجازه فرمایید بنده میخواهم ثابت کنم که این ۶ شیلینگ هم بیربط است و ثابت میکنم که نمیدهند. مطابق این قراردادی که آورده اند بمجلس و هیچ کسی از شش چیزی نمیفهمد، آمدند دارند ما را گول میزنند ممکن است در موقع دیگری بنده برای آقایان ثابت بکنم.

**نایب رئیس** - آقای وزیر دارائی بعضی از نمایندگان - قبل از دستور نمیشود ایشان صحبت کنند. **وزیر دارائی** - راجع باین موضوعاتی که آقای آزاد فرمودند برای اینکه لازم است در جواب توضیحات مربوط بنقط عرایضی عرض کنم اینجا فعلاً باختصار میردازم و برای اینکه سوء تفاهمی بین آقایان نشود بنده چند کلمه بیشتر از این عرض نمیکنم (دکتر جانی - قبل از دستور نمیشود) و خیلی

خوشوقت هستم که آقای آزاد هم فرمودند که از این قرارداد چیزی نمیفهمند اینک اشاره کردند ۲۰۰ میلیون یا سیصد میلیون یا چهارصد میلیون اینطور نیست این بیلان ۴۸ چایی شرکت است اگر آقایان درس تجارت نتوانند آید ممکن است از کسانی که بشما تعلیم داده اند از شان بیسید ژنرال رزرو یک مبلغی است که از روزی که یک شرکتی تأسیس میشود تا آن روزی که شرکت منحل میشود همه ساله یک مبلغی باید علاوه بشود (آزاد - ماسهم داشتیم یا نه؟) نسبت بژنرال رزرو مطابق امتیاز فعلی ماسهم داریم ۲۰٪ در موقع خاتمه امتیاز مطابق ماده ۱۰ بادر موقعی که رزرو را قسمت میکنند ولی اینها حاضر شده اند که قبل از خاتمه امتیاز یعنی قبل از ۴۵ سال دیگر آن مبلغی که در ژنرال رزرو تا امروز موجود است ۲۰ درصد ما را بدهند و مالیات هم از شش کم نشود و من بعد هم سال بسال مالیات بردرآمد از شش کم نشود مطابق این صورت رسمی ۳۰ میلیون لیره در ژنرال رزرو هست (آزاد - آیا ۳۷ شعبه شرکت ۳۰ میلیون لیره در خارج دارد یا ندارد؟) ۳۰ میلیون لیره در ژنرال رزرو فقط ایران و انگلیس هست ۴۸۴۰۴ لیره در شبات شرکتهای تابعه کمیانی فقط ایران و انگلیس هست مطابق این صورت بیست در صدی که مطابق امتیاز نامه بامیرسد میشود ۶ میلیون لیره مبلغی که مطابق این قرارداد بامیدهند ۱۱ میلیون لیره است یک ۵ میلیون و صد هزار لیره برای سال ۴۷ و یک ۵ میلیون و نهصد هزار لیره برای سال ۴۸ ما میگوریم و در آمد ما کم نمیشود بجای اینکه ۶ میلیون لیره بدهند ما ۱۱ میلیون لیره میدهند. تمام دارائی شرکت در ایران و در تمام دنیا ۱۳۰ میلیون لیره است (آزاد - آیا ۳۷ بنگاه دارد یا نه؟) این صورت رسمی است تمام دارائی شرکت در ایران و در تمام دنیا ۱۳۰۰۲۹۶۰۰۰ لیره است (آزاد - ۲۹ میلیون ذخیره پارسل دارند سفسطه میکنند آقای وزیر دارائی) اولاً در توضیحاتی که بعد راجع باصل موضوع بنده خواهم داد مفصل عرض خواهم کرد ولی مطابق این بیلان شش میلیون ریال حق ما بوده است ۱۱ میلیون لیره داده اند (دکتر بقائی - قبل از ۱۹۴۷ ما حتی داشتیم یا نه؟) عرض کنم ژنرال رزرو « شما که دکتر هستید باید بدانید که «ژنرال رزرو» در ۱۹۳۳ که تشکیل شد تا ۱۹۳۸ یکدفعه «ژنرال رزرو» را تقسیم کردید آن موقع که تقسیم کردند سهم ما را هم دادند سیصد و چند هزار لیره دادند از ۱۹۳۸ تا آخر سال ۱۹۴۸ مطابق این بیلان مبلغ ژنرال رزرو سی میلیون لیره است از این سی میلیون لیره مطابق حق الامتیاز مالیات بردرآمد انگلیس که ۹ پش روی هر ۲۰ شیلینگ است علاوه میکند بجای اینکه ۶ میلیون لیره بدهند ۱۱ میلیون لیره بدهند که یک پنجم میلیون و ۹۰ هزار لیره مطابق این قرارداد یعنی بجای ۶ میلیون لیره ۱۱ میلیون لیره میدهند اما قسمتی که ایشان گفتند مافصلاً حساب داده ایم برای سالهای گذشته اینطور نیست اگر یکدفعه دیگر بخوانید میبینید که اینطور نیست و مادر دست نوشته ایم در ماده ۱۰ و ۱۱ آن قسمتی که مربوط ب مالیات است که مربوط بتن شاری هست بندیک الف این را در امتیاز نامه نگاه کنید نوشته ام تمام ماده دو یازده نوشته بندیک الف - و بجهت صحتها مانده است

(آزاد - تمام حرفها سر ماده ۱۰ و یازده است والا دیگر حق نداریم) و منحصراً راجع بژنرال رزرو است و من صریحاً میگویم که ما دهاری خودمان را راجع بسایر دعاوی یا نسبت بتمام رزروها صرف نظر نکرده ایم من اینجا صریحاً میگویم فقط آن قسمتی که در بند ۹ است راجع ببنده یک الف آن مقداریکه باید روی تن شاری ما پول بدهند که چهار شیلینگ است و حالا شش شیلینگ و نسبت بذخیره عمومی که شش میلیون است حالا یازده میلیون میدهند نسبت بآن مفاصلاً میدهم ولی نسبت بسایر رزروها نسبت بسایر مطالبات ما مفاصلاً حساب نداده ایم (دکتر بقائی - مطالبات قبل از ۴۷ چه میشود؟) عرض خواهم کرد بوقع خودش توضیحات مفصل در جلسه خصوصی دادم در جلسه سری دادم و در آن جلسه ای هم که دیشب آقایان بودند (دکتر بقائی - ما که باظهارات در جلسه خصوصی قانع نشدیم) بازم اگر لازم بشود در اینجا خواهم گفت که مطالبات ما چه بوده و دعاوی ما چه بوده. اما در قسمت ماده ۱۱ که گفتند بامیچ نداده اند این ماده ۱۱ رادو مرتبه بخوانید میگوید بعد از ۱۵ سال اول نسبت بشش میلیون تن اول یک شیلینگ و نسبت به بقیه ۹ پش حالا میگوید اعم از اینکه یک میلیون تن استخراج باشد یا ۲۵ میلیون تن بهمه مقدار استخراج یک شیلینگ میدهد یعنی همین قرارداد لغتی بقول آقای آزاد نسبت بتمام ۲۵ میلیون تن که قبلاً نسبت بشش میلیون تن اول یک شیلینگ و قرارداد نسبت بهمه ۲۵ میلیون تن یک شیلینگ میگوریم و چون عرض کردم فعلاً این موضوع مطرح نیست هر وقت نوبت باین موضوع رسید بنده عرض خواهم کرد. دیگر عرضی ندارم. **نایب رئیس** - آقایان لاهوتی واردلان هم اجازه نطق قبل از دستور خواسته اند و نوبتشان برای، دفعه بعد محفوظ است آقای امیر تیمور.

**امیر تیمور** - بنده بدو اجازه میخواهم مراسم جناب آقای سید محمد صادق طباطبائی را بمرض مجلس برسانم.

مجلس شورای ملی در ایام اخیر که اینجانب برای چند روز استراحت بخارج از تهران مسافرت کرده بودم پس از مراجعت اطلاع حاصل شد که ناگهان لایحه نفت از طرف دولت بمجلس تقدیم و مورد طرح قرار گرفته است و در این روز جمعی از دوستان و افراد صالحی که با امور اساسی مملکت و مصالح واقعی آن علاقمند میباشد مراجعه و عقیده این جانب را در اطراف موضوع خواستار بودند لذا بموجب وظیفه و رعایت مصالح مملکت که در هر موضوع باید مورد نظر این جانب باشد در پاسخ دوستان و آشنایانی که دادن توضیح جدا گانه بهریک میسر نیست و مخصوصاً بقصد جلب توجه نمایندگان محترم مجلس که رسماً وظیفه نمایندگی را عهده دارند زیلاً نظر خود را مینگارم موضوع بحث در عین حال که از جهات فنی و مالی بسیار دقیق است و نمی شود درباره آن اظهار نظر سطحی نمود و چندین سرعائله دارد و طبق این امر اگر فکر باز نشتگی برای طوسی بکنید مثل این است که حکم قتل یک خانواده بیست نفری را صادر کرده اند بنده چند روز با مقام ریاست صحبت میکردم امثال آقای طوسی در مجلس شورای ملی زیاد هستند

میدانند، زیرا این منابع طبیعی و معادن ذی قیمت ملک ایران و سرمایه حیات مردم آنست و انصافاً باید بسیاری از درد های بیماران را چاره سازد و مخصوصاً برای اشتغال مهندسی و افراد فنی و کارگران ایرانی از هر جهت مهیا و آماده باشد زیرا ایران و ایرانی برای استفاده ماده و مخصوصاً اشتغال در آن بر همه کس رجحان دارد و مجلس شورای ملی امروز رسماً وظیفه دار است که بحفظ مصالح کشور در این امر حیاتی نهایت مراقبت و جدیت را نموده و از عجله اجتناب نمایند که بعداً دچار ندامت و پشیمانی نشوند و منافع آتی کشور و نسل آینده مانند گذشته دستخوش خسران غیر قابل جبران نگردد و آنان که بدون دقت و مطالعه در اطراف این لایحه و بدون تحقیق از اهل بصیرت و اطلاع در تصویب آن شتاب کنند در حال و آینده هدف نفرت و اعتراض معاصرین و نسل های آینده و تاریخ مملکت قرار بگیرند خصوصاً در تنگنای خاتمه مجلس که بقول معروف آفتاب عمر مجلس بر لب بام است. تعجیل و تصویب برای هیچ یک از دو طرف دارای اثر خوبی نخواهد بود. علاوه برای کسانی که معتقد بکوتاهی ایام فترت مجلس هستند این نکته نیز قابل توجه است که تأنی و متانت در تصویب این لایحه و تعویق آن از نظر تدقیق و مطالعه و بحث با اهل تخصص و اطلاع از چگونگی آن ممکن است موجب کوتاهی ایام فترت شده کثرت مشاغل دولت موجب تعویق انتخابات دوره ۱۶ شود. تهران دوم مردادماه ۱۳۲۸ سید محمد صادق طباطبائی عرض کنم آقای آزاد ایشان اینجا ماده ۹ را باعث کردند و بنده ۹ اشاره کردند و این ماده ۹ را باعث بدبختی و باعث ضرر و صدمه کشور ایران دانستند من میخواهم بعرض آقا برسانم که بدتر از ماده ۹ ماده ۱۰ است. ماده ۱۰ - بارعایت مقررات این قرارداد مقررات قرارداد اصلی در کمال قوت و اعتبار خود باقی خواهد ماند. قرار دادی که در موقع اجبار و نبودن آزادی و دموکراسی بکشور ایران برزور تحمیل شده است (صحیح است) اینک میخوانند مجلس تأیید کند و سند اسارت ایران را برای ۴۴ سال دیگر تصدیقش را از مجلس بگیرند و نسل حاضر و نسل آتی را بهمین بدبختی و سباه روزی باقی بگذارند بنده در این قسمت عرایضی دارم که در موقع خودش بمرض خواهم رساند اما موضوعی که میخوانستم بمرض مجلس شورای ملی بود برای تقاعد مستخدمین مجلس بنده عرض کردم که یک عده از مستخدمین ما داریم که اینها عمر خودشان را در مجلس شورای ملی طی کرده اند و نمی توانند خدمت مجلس را ترک کنند و بنده مجلس میتوانم از آنها صرف نظر کند ولی علاوه بر این یک موضوع دیگری هم هست که بمرض مجلس رساندم و آن عبارت از این است که یک عده از این مستخدمین مجلس هستند که شاید هم راضی نباشند که بنده اسم آنها را ببرم مثل آقای طوسی این ۴۲ سال سابقه خدمت دارد اگر این امروز یک روز کارش ترک شود مسائل یکف است و نان شب ندارد و چندین سرعائله دارد و طبق این امر اگر فکر باز نشتگی برای طوسی بکنید مثل این است که حکم قتل یک خانواده بیست نفری را صادر کرده اند بنده چند روز با مقام ریاست صحبت میکردم امثال آقای طوسی در مجلس شورای ملی زیاد هستند

و این کسانی که در مجلس عمرشان را صرف کرده اند بنا بگفته معروف اینها بخدمت پرداخته اند و عقب نعمت نرفته اند (دکتر طباطبائی - مگر حقوق نمیگیرند) حقوق میگیرند ولی چون عائله دارند و عده شان هم بسیار است بنده شب قبل با آقای رئیس هم صحبت کردم و ایشان هم موافقت کردند از دو کار یک کار باید بشود یا موافقت بشود یا بنا شود اگر اینها یاز - نشسته میشوند تمام حقوق و مزایای که حالا میگیرند مادام العمر باینها داده شود و یا موافقت بشود که بدون رضایت خودشان اینها را باز نشسته نکنند (معتد دماوندی باشی را هم اضافه بکنید) اینها یک عده ای هستند با شرافت و خدمت کرده اند و یک عمری را صرف کرده اند استدعا میکنم مجلس شورای ملی هم با این نظر بنده موافقت بکنند که اینطور عمل شود دیگر عرضی ندارم نامه آقای سید محمد صادق طباطبائی را هم تقدیم میکنم.

**نایب رئیس** - آقای دکتر اعتبار.

**دکتر اعتبار** - بنده عرایض مختصری دارم که مربوط بفت نیست و اجازه میخواهم که چند دقیقه وقت مجلس را بگیرم در جلسه روز دوشنبه ۱۳ تیرماه که برای تصویب ماده واحده مربوط به برنامه هفت ساله بطور فوق العاده تشکیل شده بود بنده در ضمن موافقت با تبصره ماده واحده تصریح کردم که چون تقریباً تمام کارهای مربوط به برنامه کارهای فنی و ساختمانی است مصلحت در این است که دست سازمان برنامه نسبت بامور استخدامی باز باشد ولی در عین حال توضیح دادم که معنی این تبصره این نیست که سازمان برنامه دروا گداری امور ساختمانی و یا خرید احتیاجات خود قانون محاسبات عمومی و یا سایر قوانین متداول را رعایت ننماید من باب مثل به ساختمانی دانشگاه تهران اشاره نمودم که در زمان فترت بایک تصویب نامه بشرکت سندان داده شده بود و در خاتمه اظهار خوشوقتی نمودم که جناب آقای وزیر دارائی متذکر این امور خلاف قانون شده و دستور فرموده اند بقیه کار بناتاقه گذارده شود - جناب آقای وزیر دارائی در جواب فرمودند که ساختمانی دانشگاه بنا بسابقه ای که موجود بوده در زمان فترت بشرکت سندان واگذار شده و چون این تصویب نامه ضمن تصویب نامه های دیگر دوره فترت برای اظهار نظر تقدیم مجلس شورای ملی شده است تا مجلس شوری ملی آنرا رد نکند مفاد تصویب نامه را باید قانونی تلقی نمود چون در اطراف عرایض آن روز بنده حربه معمول امروز یعنی سعایت و القاء شبهه ای شده است اجازه میخواهم توضیح مختصری بمرض آقایان نمایندگان محترم برسانم در اوایل دوره پانزدهم - در زمان کابینه جناب آقای قوام بنده در خدمت یکدفعه دیگر از آقایان نمایندگان باصر فقط از تمام مزیت هایی که موجود بود فقط و فقط برای حفظ مصلحت مملکت از مخالفین دولت بود و مرتباً هفته ای بیکبار سؤالی راجع بمعنیات خلاف قانون دولت ایشان تقدیم مجلس مینمودم و یکی از سؤالات مربوط بهمین موضوع ساختمان های دانشگاه بود که در تاریخ ۹ مهرماه ۱۳۲۶ یعنی تقریباً دو سال قبل تقدیم گردید بعداً هم یک یادداشت کتبی خدمت جناب آقای نجم و یکی دیگر خدمت جناب آقای هزیر تقدیم داشتم و از تاریخ یادداشت

آخری که در ۱۵ تیر ماه ۱۳۲۷ تنظیم شده بود دیگر موضوع را تعقیب نکردم چندان قبل شنیدم در نتیجه عدم رضایت عمری از کارهای شرکت و مخصوصاً عملیاتش در ساختمانهای درمانگاههای مربوط سازمان خدمات شاهنشاهی که گزارش آن نیز بشرف عرض اعلیحضرت همایونی رسیده بوده و همچنین در اثر اسرار رئیس بنگاه باستور وزارت دارائی ساختمان بنگاه باستور را که جزو این قرارداد بوده بناتاقه گذاشته و شرکت آرمه یک شرکت ایرانی با تخفیف ۲۸۸۰ درصد برنده مناقصه شده است و چون بهای پیشنهادی شرکت براتب ارزاتر از بهای قرارداد متکثر بتصویب نامه بوده وزارت دارائی تصمیم گرفته است تمام بقیه کار را از شرکت سندان تحویل گرفته و بناتاقه بگذارد از توضیحی که جناب آقای وزیر دارائی دادند استنباط بنده این شد که موضوع را برای ایشان درست روشن نکرده اند - آقایان اغلب سابقه دارند که پس از شهریور ۱۳۲۰ عملیات ساختمانی که دولت در دست اقدام داشت اغلب متوقف شده و نظر بیلا رفتن بی تناسب هزینه زندگی مقاطعه کاران بعداً حاضر نشدند تمهیدات خودشان را باقیمت های قبل از شهریور انجام بدهند بهمین دلیل در قانون متمم بودجه ۱۳۲۱ تبصره ای تصویب شد که بدولت اجازه میداد برای تکمیل ساختمانهای ناتمام تاده درصد بیهای قراردادهای قبل از شهریور اضافه کند و ساختمان کاخ دادگستری نیز طبق همین قانون بیابان رسید حالا اجازه فرمایید متن تصویب نامه مربوط بستاب را برای شما بخوانم.

هیئت وزیران در جلسه ۱۹ اردیبهشت ۲۶ بنا به پیشنهاد شماره ۱۲۴۳۷ وزارت دارائی تصویب نمودند از نظر اینکه ساختمانهای دانشگاه تهران و بنگاه باستور دارای عملیات ساختمانی فنی خاصی است و شرکت سندان هم در امور ساختمانی دانشگاه سابقه دارد و از هر حیث برای انجام ساختمانهای مزبور مجهز و آماده میباشد ساختمانهای مربوط به دانشگاه و بنگاه باستور در سال ۱۳۲۶ بشرکت نامبرده بدون انجام تشریفات مناقصه با شرایط و مشخصاتی که بین آن شرکت و دانشگاه داده میشود با بهائیکه طبق نظر کمیسیون فنی دانشگاه تعیین میگردد واگذار نموده و قرارداد آنرا منعقد نماید.

تبصره - پس از گذائش دوره ۱۵ مجلس شورای ملی مجوز قانونی آن تحصیل خواهد شد. تاریخ این تصویب نامه اول اردیبهشت ۱۳۲۶ است یعنی تقریباً ۶ سال بعد از شهریور ۱۳۲۰ ثانیا در خود تصویب نامه اشاره ای بچنین سابقه ای نشده و اگر هم میشد صحیح نبود زیرا نه ساختمانهای که با این تصویب نامه به شرکت واگذار شده ساختمانهای ناتمامی بوده بلکه همه ساختمانهای جدید هستند و بهائی که مورد توافق شده فقط در صد بیشتر از قیمت های قبل از شهریور است بلکه اغلب آنها از ۳۰ درصد هم تجاوز میکند پس مجوز قانونی برای این عمل بهیچوجه موجود نبوده از این نکته که بگذریم بر فرض اینکه استدلال آقای وزیر دارائی راجع بفرستادن تصویب نامه بمجلس مورد قبول آقایان نمایندگان واقع شود در تصویب نامه صریح نوشته است که عملیات ساختمانی سال ۱۳۲۶ با این شرایط بشرکت واگذار شود و جناب آقای هزیر وزیر دارائی وقت نیز صراحة دستور سکتی





مذاکرات سابق شرکت کرد اشتد مودت کردیم آنهم استعفا دادود کتر پیرنیا که رئیس اداری خودمان است آقای امامی هم که کمیسر نفت است در لندن بوده آقای جهانگیر که چندین سال رئیس شرکت نفت بودند و در زمانیکه قرار داد ۱۹۳۳ بسته شد وارد کار بودند وقتی این جریان را بنده دیدم مآرس شدم از اینکه دیگران بیاند خودشان را بزحمت بیندازند و صبح تا غروب یا یرونده بخوانند یا وارد مباحث بشوند در خانه خودشان نشسته اند بعد هم در موقع خودش تنقید خودشان را می کنند . مجبور شدیم که تمام سوابقی که بوده با تمام نظریاتی که متخصصین دولت در ۱۹۳۳ داده بودند تمام نظریاتی که متخصصین دولت برای امتیاز نفت ایران و آمریکا داده بودند تمام اینها را خواندیم . خوانده شد یک قدری اطلاع پیدا کردیم این را باید بطور معترضه عرض کنم اینکه گفته شد امتیاز ۱۹۳۳ تا جلسه آخر صحبت تمدیدش نبود این دروغ است . این دروغ است که نمایندگان شرکت گفتند روز آخر با تمدید یا قطع میکنند مذاکرات را ( دکتر بقائی - این را آقای تقی زاده پشت تریبون فرمودند ) در ۱۹۲۸ سفر دومی که مرحوم تیمور تاش به پاریس رفته بودند با سر جان کلمن یک قرار دادی را پاراف میکنند باسم قرارداد سه ستاره بعنوان قرار داد سه ستاره یکی از شرایط آن قرارداد سی سال اضافه شدن بر مدت امتیاز است یعنی مذاکراتی که تا آخر دهمه میگویند تمام شده است دهمه آخر آمدند رفتند پیش اعلیحضرت فقید گفتند که بیایم امضاء کن ۰۰۰ ( بعضی از نمایندگان - قرار داد سه ستاره ؟ ) بلی پاراف کرده است سر جان کلمن قرار داد سه ستاره تیمور تاش در سال ۱۳۱۱ از هیئت وزراء تصویب نامه ای صادر شد . همان قرار داد را قبول کرده اند منتها بعد تردیدی درش شد . قرار بوده است که اینها مقداری پیش قسط با ما بدهند وضع خزانه در آن موقع بقدری بد بوده است که کاغذی از وزارت دارائی وقتی نویسد به مرحوم تیمور تاش اینها هم در دوسیه است که می نویسند من خجالت میکشم اینقدر که از بانک شاهی فرض کردیم ( بعضی از نمایندگان - وزیر دارائی وقت کی بوده است ؟ ) جناب آقای تقی زاده یکشاهی بول نداریم شما تلگرافی سر جان کلمن بکنید و خواهش کنید که صد هزار لیره باعتبار قرار داد جدید با ما بدهد تا ما بتوانیم کار مملکت را راه بیندازیم اگر این صحبت هانیش اینها را بنده عرض نمی کردم و در گور میردم ( دکتر بقائی - خیلی خوب شد تاریخ باید روشن بشود از خودتان دفاع کنید ) تا گفته نشود برضاهه فشار آوردند گفتند این مذاکرات قرار داد ۱۹۳۳ از ۱۹۲۸ شروع شده است ( دکتر بقائی - اینها را بخوانید این قرار داد را بخوانید ) ( دهقان - بگذارید در یک سکوتی این حقایق گفته شود ) یعنی نگویند که تصویب نامه ای صادر نشده هیچ یقه بنده را ننگرند یا این کار را بکن . ( دهقان - بگذارید این حقایق گفته شود تا ملت ایران خادم و خائن را بشناسد ) سه سال دولت های وقت و وزرای وقت نشستند و صحبت کردند . باعتبار قرار داد موهم فرض خواستند برای اینکه خرج مملکت را بپوشانند آن وقت بیاند اینها تمام تقصیر را بگردن رضاشاه کمرده است بیندازند و بگویند ما هم مان در سیم ۱۴ ( احسن ) در هر صورت این یادداشتها با بنده شده ( دکتر

بقائی - آن سه ستاره خدمتتان هست ؟ ) ( خنده نمایندگان ) یک کمیون در وزارت دارائی دوسیه هست یکی دوتا و یک روز دو روز نشود که خیال کنیم یک قرار دادی را یک روزه دوروزه نوشتند گفتند امضا کنید . در هر صورت هر چه بود هر چه شد قرارداد یا خوب باید امروز ما واردش نمی شویم یک قراردادی در ۱۹۳۳ بسته شد و یک شرایطی هم نوشته شده اول دهمه ای که ما اینها گفتیم آنرا این قرارداد را میخوانیم تجدید نظر کنیم برای اینکه ببینیم دوستانه حاضر هستند نسبت باین قرارداد تجدید نظر کنیم ؟ ( مکی - آن قرارداد سه ستاره چه شد ؟ ) آن قرار داد سه ستاره حالا مطرح نیست صحبت اقدامات دولت فعلی است ( یکی از نمایندگان - وجه تسمیه قرار داد سه ستاره چیست ؟ ) آن قرار دادی که پاراف شده بود اینها جزء پرونده هائی بود که در کارهای مربوط به تیمور تاش بود روزیکه ایشان فوت شد اینها همه صورتجلسه شد و تحویل وزارت دارائی گردید و اینکه وجه تسمیه این سه ستاره چیست چون ایشان در وقتیکه امضا کردند سه ستاره رویش کشیده بودند این معروف شد بقرار داد سه ستاره وقتیکه این یادداشت با بنده داده شد آقایان گفتند که ما حاضر نیستیم تجدید نظر کنیم قرار دادی است داریم و حاضر نیستیم تجدید نظر کنیم این قرارداد که الان هست و این حرف را بزنند مجلس هم که ما گفته است این قرار داد کان لم یکن است و بروید یک قرارداد تازه ای بنده ای گفته اند در حدود این قرارداد صحبت کنید ما ببینیم روی این قرارداد چه موادی میزنیم پیدا کنیم که از این مواد استفاده کنیم و آنها را تحت فشار بگذاریم دیدیم چند ماده است که در اینجا می شود استفاده کرد یادداشت هائیکه در زمان کابینه آقای وزیر تهیه شده بود همین یادداشت ها را مطالعه کردیم بعد هم نظر متخصصین را خواستیم و بهشان گفتیم شما نسبت باین قرارداد تخلف کردید چون تهاراهی که ممکن بود که اینها را در فشار بگذاریم از نقطه نظر این قرار داد گفتیم که شما تخلف کردید و میزان تخلف را باید محکمه تعیین کند خود این قرار داد دوتا ماده دارد که حالا خوبست من برای آقایان بخوانم یک ماده اش اینست که این امتیاز بر حسب هیچ قانون عمومی و خصوصی یا هیچیک از دستورات اداری یا تصویبات مقامات اجرائی قابل لغو نخواهد بود یک ماده اش هم ماده ۲۶ است که می گوید این امتیاز مگر در صورتیکه کمیانی مطابق ماده ۲۰ آن را ترک کند . بعد هم در اینجا تصریح کرده است مذکور در فوق منحصر باین قرارداد است خوب یکی اینکه پرداخته شود تا یکماه بعد از صدور رای پرداخت شود دوم اینکه هر گاه تصویب برانحلال اختیاری یا اجباری کمیانی قرار گرفت پس ما اقدام در مقابل این معذور یک مردی میگوید که من امتیاز نامه دارم و حاضر برای تجدیدش نیستم ما گفتیم تخلف کردی گفت ثابت کنید در محکمه منم جواب میدهم ما مجبور شدیم از این مرحله وارد شویم گفتیم این قضیه را میگذاریم دست آخر شاید در مواد با هم موافقت کردیم چرا برویم بحکمیت گفتند بسیار خوب حاضر هستیم مذاکراتی بکنیم بکنیم بکنیم بکنیم بکنیم

بیشتهاد خود دولت از ماده ۱۰ و ۱۱ پیشنهاد خود دولت باشد ما چون تجربه داشتیم نسبت باین امتیاز که روی این مقررات امتیاز چه قسمت از منافع ما ممکن است تأمین بشود ناچار آمدیم بانظر متخصصین یک فرمولی پیدا کردیم که تمام راه عدم استیفای حقوق دولت بسته شده باشد اولاً بجای اینکه مثل قرارداد داری از عوائد بما بدهند که یک عایدات منظم سه ماه بسمه باشد چون یکی از مواد امتیاز داری این بود آقای مکی ما باید صحبت میکردیم بیلان شرکت ۱۶۶۵٪ باستی بما بدهند دیگر ماه بماه سه ماه سه ماه بما چیزی نماندند محسنان این قرار داد فعلی مقرراتی داریم که از روی تن شماری یک مقداری بگیریم ( مکی - راجع بهین عرض دارم ) دیشب ما روی این بحث کردیم آخر سال امتیاز نامه بیلان شرکت که بسته شد صدی بیست از عایدات بگیریم ما آمدیم گفتیم که این فرمول را از اینجا زدست ندهیم که یک چیزی بگیریم اما این بیست درصدی که نوشته اند که ۳۰ درصد از سود قابل تقسیم صاحبان سهام آنوقت نتیجه این میشود که این رزورها و مالیاتها هشت منحل میشود و دیگر چیزی بر ایمان نماند پس اگر ما این بیست درصد را فورمولی برایش پیدا کنیم که دیگر مالیات بردر آمدن رزورها ازش کم نشود بهتر است سوم اینکه ما فهمیدیم که نقطه داریم در مملکت اختیار نطق باید در یک قسمت در دست ما باشد بعد گفتیم بهترین فورمولی که میشود برای اینکار پیدا کرد فورمولی است که درون آن معمول است ولی ۵۰ درصد از این راه بما میدهند ۶۵ شلیک طلا چون عنوان طلا دارد پایه اش ۱۲۰ شلیک نیست پایه اش ۸۳ شلیک است نتیجه میشود ۱۳ شلیک تفاوت بعد هم بجای اینکه بیست درصد سود قابل تقسیم بما بدهند سود ناپزده بما میدهند سود ناپزده آقایانی که در کار بیلان وارد هستند میداند از آن ما بدهند بعد هم گفتیم یک ششم نطقا هم بقیه بقیه بجز بانه انگلیس باید بگردان مغرور شد با بدهند که ما اگر بخوایم یک وقتی بفروشم داشته باشیم در داخله بفروشم و مصرف کنیم مجموع اینها کمتر از ۵۰ درصد عایدات ما نشود اگر هم کمتر شد با بقیه اش را بدهند این فرمول هم زیاد من در آردی نبوده است با نظر متخصصین وقت و مشاورین اقتصادی بوده است که با آنها مشورت کردیم و حساب کردیم که اگر ما این کار را بتوانیم بکنیم این حدا علی در آمدی است که امروز در همه جای دنیا ممکن است گرفته شود از یک شرکت ضمانت گفتیم بهشان با ماده ۱۰ و ۱۱ تکلیفش روشن شود چون این شاه ماده است ما وارد سایر مواد نمی شویم اینها رفتند آمدند و مذاکرات زیادی کردند بالاخره پیشنهاد کردند که این فرمول دولت چون مفایر وضع فعلی امتیاز نامه است ما قبول نمیکنیم چون این امتیاز نامه را ما فرمول آنرا حاضر نیستیم عوض کنیم تفاوت چیست گفتند تفاوت این است که ما بجای ۴ شلیک روی هر تن ۶ شلیک بدهند نتیجه این را هم ما گفتیم روی استخراج ببینند نوری فروش برای اینکه تفاوت استخراج و فروش همیشه چند میلیون تن است که آن مقدارش را در کارخانجات مصرف میگردند مالیات نماندند تن شماری نماندند و گفتند که ما قبول میکنیم که ۴ شلیک را شلیک کنیم و اینست مالیاتیکه هست که از ۶ میلیون به بالا را ۹۱ پنس بدهیم

آنرا گفتیم ۶ شلیک یعنی سه پنس اضافه کنیم که خلاصه مجموع عایدات ما روی وضع فعلی امتیاز نامه با تفاوت قیمت طلا الان ده شلیک و نیم پنس بعد که ما گفتیم این غیر قابل قبول است و نمیتوانیم قبول کنیم پیشنهاد تازه ای آوردند که بیست درصد رزرو عمومی که در امتیاز نامه حق شما است ما بجای اینکه آخر امتیاز نامه شما بدهیم سال بسال شما میدهم تفاوت هم این است که اختیار رزرو عمومی دست کمیانی است ممکن است حالا که سی میلیون لیره است سال دیگر سی میلیون لیره را در جای دیگر خرج کنند شما اگر میخواهید اینکار را بکنیم حاضریم سال بسال شما بدهیم البته این آخرین پیشنهاد آنها بود ما هم با آنها تهدید کردیم که قبول نداریم مذاکرات ما قطع شد و در نتیجه آنها رفتند وقتیکه مذاکرات ما با اینجا رسید بهشان پیغام دادیم که اگر نظر شما نسبت باین استیفا این است ما نظرش را اصلا قبول نداریم بالاخره رئیس شرکت خودش بطهران آمد مذاکرات تجدید شد آمدند گفتند سال ۴۷ و ۴۸ که در آمد زیاد شده است یکسال استنشاده بوده است برای اینکه قیمت نفت در سال ۱۹۴۶ - ۲ لیره و چند شلیک بوده ولی در ۴۷ یک دهمه رفته ۳۷۵ لیره و در ۱۹۴۸ به ۵ لیره و چون این یکسال استثنائی بوده است باین مناسبت این وضع برای بعد قابل قبول نیست پیشنهاد کردند که با این طریق که ما میگویم در ۱۹۴۷ بجای ۷ میلیون لیره شما ۱۲ میلیون و خورده ای لیره شما داده میشود و در سال ۱۹۴۸ بجای ۷ میلیون لیره ۱۸ میلیون و هفتصد و پنجاه هزار لیره ( دکتر معظمی - اینها کتبی بوده یا شفاهی ) تمام کتبی بوده بنده نمیدانم که خط کرده ام یا درست این عمل را کرده ام چون در مملکت ما همه چیز تکذیب میشود لایعرا به مجلس میدهند کمیون دارائی مجلس تصویب میکند بعد در روزنامه مینویسند که چنین لایحه ای بمجلس نیامده تمام مذاکراتی که کردیم تمام کتبی بوده است و آنچه آنها امضا کردند آنرا امضا کردم همه امضا کردیم و مسئولیت همه است خوشبختانه بنده این مذاکرات را تمام کتبی کردم که اگر یک کسی یک روزی بیاید می بیند که من یک کلمه حرف از اینها قبول نکردم مگر اینکه یادداشت از شان بگیرم یک کلمه حرف تصدیق نگرفتم مگر اینکه نظر مشاورین نفت را بپرسم با مشاورین عالی مقام مشورت کنم و با نظر آنها جواب بدهم در هر صورت اینها رفتند آمدند و رئیس شرکت گفت که ما حاضریم که برای ۲۰ درصد رزور سه شلیک علاوه بر آن ۱۰ شلیک که بابت حق الامتیاز میگیرید ۲۰ میلیون لیره برای سال ۱۹۴۹ کنیم آقای نخست وزیر بهشان جواب دادند که این پیشنهادات شما را ما اصلا نمیتوانیم قبول کنیم نه من قبول میکنم نه وزیر دارائی قبول میکند نه دولت نه مجلس و ایشان هم با نهایت تعرض از ایران خارج شدند بالاخره مذاکرات تمام شد گزارش از طرف وزارت دارائی بنده و همکاران خود بدوات دادیم که آنرا مذاکرات تمام شد و دیگر جای مذاکره ای هم نیست برای اینکه جای توافق هم نیست بقیه ما قید ما کردیم بر این هستیم عقیده مان این است که برویم بحکمیت برای اینکه راه دیگر ندارد ضمناً پروفیسور ژیل در طهران بود گفتیم که ما میخواهیم بیسیم از دو طرف حساب است هر دو طرف را باید حساب

کنیم مذاکره ما نتیجه نرسید و در ضمن حکمیت و حکم هم ما را محکوم کرد آنوقت آقای آزاد تشریف میآوردند اینجا میگویند اینهم خیانت بود چرا رفت بحکمیت مگر میشود دولت انگلیس طرف بشود مگر میشود با کمیانی طرف بشود این حق ما چهارصد میلیون لیره است باید گلشایان را آتش زد برای اینکه میلیونها لیره باین مملکت ضرر زده است برای اینکه از گل روی مستر گس خوشش نیامد یا وقتیکه با او صحبت کرد اوقاتش تلخ شد برای اینکه اشخاصیکه در گوشه ای نشسته اند و تنقید میکنند مینظور هستند پروفیسور ژیل که پروفیسوری عالی مقام حقوق بین المللی همه آقایان میدانند که یک است در دنیا که نسبت بیرونه های ما اظهار نظر کرد خود کمیانی گفت چون پروفیسور ژیل گفته است من نمیتوانم قبول نکنم برای اینکه این یک مرد عالی مقامی است که حرفش حجت است ما گفتیم که آقای پروفیسور ژیل شما این گزارش را بخوانید مطالبات ما را ببینید که ما میتوانیم بحکمیت مراجعه بکنیم یا نمیتوانیم و روی این ۲۵ ماده که ما طرح کردیم در مرحله حکمیت آقای پروفیسور ژیل وقت صرف کردند و یک کتابی نوشتند راجع باین قضیه که بقیه بنده یک تری است که اشخاصیکه وارد در کار حقوق هستند میتوانند استفاده زیاد ببرند و منمهم که این را میخوانم از هر صفحه آن لفت میبرم ایشان از نظر اینکه دولت میخواهد برود در یک محکمه حکمیتی بنشیند بیان دعوا بکنند تمام این تر دولت را نوشته که اینجور میشود اگر خواستند بروند دفاع کنند ولی گفتند متأسفانه از این ۲۵ ماده که شاعتراض کردید فقط ۸ فقره آن قابل اعتراض است نروید خودتان را زحمت بدهید گفتیم خوب شما حکم ما آقای پروفیسور را انتخاب کردیم گفتیم شما حکم دولت شما بروید در محکمه حکمیت رأی بدهید اینجا است که بنده باید با آقایان عرض کنم که خیلی متأسفم در جلسه سری که بنده دعوت کردم بنده این مطالب را گفتم حالا آقایان اصرار دارند که من علنی بگویم علنی میگویم ( عندهای از نمایندگان - فرمائید ) ( فرامرزی - مصلحتاً در نظر بگیرید و حرف بزنید ) برای اینکه مردم بدانند که اگر من تقاضای جلسه سری کردم برای این نبود که یرده یوش کرده باشم موضوع این نبود که خواسته باشم مخفی باشد یک نظریاتی از دهان متخصصین از دهان علمای عالی مقام در آمده است حالا آقایان اصرار دارند که من در جلسه علنی بگویم ( نخیر فرمائید ) در هر صورت جلسه ای در وزارت خارجه تشکیل شد آقایان مسبوق هستند در آنجا مذاکره شد ما از مجموع بیاناتی که شد چه در مذاکرات وزارت خارجه و چه در جا های دیگر باین برخوردیم که مصلحت مملکت در تمام کردن اینکار با خود آقایان است باینجهت ما ناچار شدیم باز باب مذاکرات را مفتوح کنیم پیشنهادات تازه بدهیم و خواهش کنیم که در مرتبه مذاکرات تجدید شود نماینده شرکت دوم مرتبه آمدند مذاکرات شد در نتیجه این مذاکره با اینجا رسیدیم که بجای ۲۵ میلیون لیره که برای ۲۰ درصد رزور عمومی بیست درصد سود سهام در سال ۱۹۴۹ منحصرأ برای ما تعیین میگردند حاضر شدند تا آخر امتیاز نامه چهار میلیون لیره حد اقل پرداخت کنیم ضمناً دولت ایران وجهی که میگیرد مشمول مالیات بردر آمد دولت انگلستان

بشود اینها مذاکره کردند و گفتند در این قضیه هم ما حاضر هستیم این عمل را بکنیم اولاً راجع بآن تن شماری مشمول آن مالیات بردر آمد نیست برای اینکه آقایان مسبوق باشند و یکی از آقایان هم صحبت کردند این ۵۱ میلیون لیره بعد از پرداخت آن ۷ میلیون هشت میلیون لیره است که بعد از تن شماری بما میدهند یعنی عایدات نفت که میگویند ۵۰ میلیون لیره عایدات نفت است در حقیقت شصت میلیون لیره است آن ۹ میلیون لیره پولی است که از بابت تن شماری بما میدهند وقتی که پرداخت کردند آنوقت بیلان میدهند گفتند ما در آن رقم تن شماری که مالیات بردر آمد دولت انگلیس راجع برزور عمومی که شما میگویند رزوری که مطابق این امتیاز نامه میگویند شما حق دارید ما مجبور بودیم که یک فورمولی پیدا کنیم همان فورمولی که بنظر آقای آزاد خیلی مشکل میآید خیلی فهمش آسان است اگر یک دهمه مراجعه کنند گفتیم چون مالیات بردر آمد انگلستان در تیسراست الان ۹ شلیک است نرخ فوق مالیات بر درآمد زمان جنگ بوده ممکن است باین بیاید این فورمول را که ما پیدا کردیم که روی یک لیره مالیات بردر آمد دولت انگلیس میگیرد این را بر مبلغ رزوری که میخوانیم بگذاریم علاوه کنیم و بیست درصد بما میدهند یعنی اگر یک میلیون لیره اینها میبایستی برزور بگذارند سهمی که شما میدهند حقا مطابق این امتیاز نامه باید دوپست هزار لیره باشد فرض کنیم که مالیات بردر آمد انگلیس ده شلیک باشد این ده شلیک را هم روی این میکشند میشود برابر مثل اینکه دو میلیون لیره بوده است و بجای اینکه بما دوپست هزار لیره بدهند چهار صد هزار لیره میدهند پس نتیجه آن قسمت رزور که ما پرداخت میشود مشمول مالیات بردر آمد دولت انگلیس نیست بعد بحث در این شد که این پیشنهادی که داده اند آسانست بسیار موادم صحبت میشود چند ماده در اینجا بود که مورد نظر دولت بود عرض کردم یکی ماده ۱۵ بود که طرحی که ما با آنها نوشته بودیم سریعاً قید کردیم که باید نماینده دولت حق حضور در تمام جلسات هیئت مدیره شرکت داشته باشد ضمناً هم در آنجا تصریح کرده بودیم که شخصاً یا بوسیله متخصصین حق بازرسی کلیه دفاتر محاسبات کمیانی را دارا باشد یکی ماده ۱۸ بود که تقاضا کرده بودیم هر وقت بخواهند سهامی منتشر بکنند باستی که برای اتباع ایران تا میزان نصف سهام در طهران هم منتشر کنند و حق تقدم فائل شوند یکی هم راجع بماده ۱۹ بود که قیمت نفت و بنزین در داخله مملکت که ما گفتیم مطابق قیمت تمام شده آبادان قیمت معین بشود یا قیمتی که بدستگاههای دیگر میفرورشد مثل بحر به انگلیس یکی هم راجع بماده ۲۶ بود که ما تقاضا کردیم هر ۱۵ سال یکمرتبه تجدید نظر شود عرض کردم نسبت باین مواد چون مخالف با امتیاز نامه فعلی است گفتند ما حاضر برای مذاکره نیستیم حاضر برای قبول هم نیستیم ولی نسبت بماده ۱۶ که باستی یک طرحی تهیه شود گفتند ما حاضریم که مذاکره کنیم و موافقت کنیم البته دولت تاکنون نسبت بماده ۱۶ و طرح آن موافقت نکرده و تا سه ماه هم حق برای خودمان فائل شدیم که اگر نتوانستیم موافقت بکنیم بحکمیت

رجوع کنیم راجع بهاده ۱۹ که خواستیم وارد مذاکره شویم گفتند مطالبات ما را نسبت بگذشته اول روشن بکنید مطالبات گذشته که اینها میگویند چیست ؟ در سال گذشته که دولت آقای ساعد خواست از قیمت توتون و سیگار بکشد و شکر و نفت و بنزین باینجا بیورد ما شرحی نوشتیم بکمیانی که از قیمت نفت و بنزین اینقدر باینجا بیورد نمایند کمیانی بما مراجعه کرد که آقای این برخلاف اقدامات گذشته است که دولت باید یک پولی بما دستی بدهد قیمت را کم کنیم چیست ؟ بعد متوجه شدیم که مطابق امتیاز نامه فعلی ماده ۱۹ میگوید که برای قیمت گذاری در داخله مملکت یک قیمت اساسی در نظر گرفته شود آن قیمت اساسی عبارتست از قیمت خلیج مکزیک یا خلیج رومانی بعد مخارج مملکت بهش علاوه میشود از این قیمتی که حاصل میشود ۲۵ درصد تخفیف برای دولت و ده درصد تخفیف برای مردم و تا آخر سال ۱۳۲۵ همه ساله اینچند خرداد ۲۵ آمدند بدولت گفتند که قیمت خلیج رومانی از قیمت بازار مارش موندیال خارج شده و چون قیمت خلیج مکزیک هم بالا رفته ما باید قیمتش را بالا ببریم این را هم باید بگیریم که قیمت خلیج مکزیک در آنجا تعیین نمیشود بازار دنیا تعیین میکند و در برو شور های چایی تعیین میشود و این یک موضوعی است که مورد اطمینان همه است یعنی وقتی که میگویند قیمت خلیج مکزیک یعنی چه ، یعنی از روی برو شور که نگاه بکنید معلوم میشود ، وزارت دارائی نگاه کردید که از سال ۱۳۲۵ تا خرداد ۱۳۲۷ / ۴۵ میلیون تومان اینها ضرر بهشان خورده و بایستی اگر قیمت را گران نکردند از جیبشان بدهند ( دکتر بقائی - آنها مؤثر در تعیین قیمت خلیج مکزیک نیستند ) اگر شما اینقدر اینها را در مذاق میاید چه عرض کنم ( دکتر بقائی - سؤال میکنم ) چه عرض کنم قیمت خلیج مکزیک یک قیمتی است که مارش موندیال است و مربوط باینها نیست و مربوط بکمیانی است که قیمت اینها هستند وقتی بحساب رسیدگی کردیم در وزارت دارائی بالاخره راه حلی پیدا کردند این بود که یک قانونی بمجلس بیارند برای قیمت نفت و بنزین که بالاخره چون یک تا کسی در زمان آقای قوام السلطنه داده شده بود یک قسمتی از آنرا گفتند بر قرار بکنید چون گفتند که خلاف قانون است بر قرار نکنید ولی یک مقداری بابت طلب بکمیانی داده شود ۲۰ میلیون تومان ، ۲۵ میلیون تومان هم کمیانی صرف نظر بکنند ( وزیر کشور - کی موافقت کرد ) در کابینه آقای حکیمی جناب آقای نجم الملک لایحه اش را بمجلس آوردند آقایان ممکن است توجه بفرمایند لایحه در کمیسیون دارائی چاپ شده و طبع و توزیع شده و حتی یگروز آقای امیر نصرت اسکندری ببند فرمودند چه نظری دارید بنده تلفن کردم که تصویر نفرمائید چون اگر تصویب شود ( عباس مسعودی - مورد مطالبه بوده ولی پرداخت نشده ) مورد مطالبه بوده است ( دکتر بقائی - این را که آقای نجم الملک تکذیب کردند که چنین لایحه ای بمجلس داده باشد ) امسال وقتی مذاکرات ماده ۱۹ را کردند صورت حساب پارسل و امسال را آوردند و مبلغ پارسل که هشت میلیون و نهمصد هزار تومان است که این ۴۵

میلیون تومان اگر علاوه کنیم میشود ۴۵ میلیون تومان ولی اینرا ضمناً برای آقایان گفته باشم که این امتیاز نامه فعلی حق میدهد بکمیانی که این مطالبه را بکنند و اگر راجع باین قرارداد موافقت نشود باز هم عرض میکنم که برای کمیانی مطابق این امتیاز حق هست برای اینکه مطابق همین ماده امتیاز که میگوئیم اگر یک شلیک را ندادید ما حق داریم مراجعه بچکیت بکنیم او هم میگوید شما میبایستی مراجعه میکردید بقیمت خلیج مکزیک و آنوقت قیمت را در داخله باضانه مخارج داخلی معین میکردید چون دولت مرابعور کرده است که قیمت را بالا ببریم دولت باید این بول را بدهد و دولت ضامن است و باید عرض کنم که این مطالبه ای که کرده است بحق بوده است و مادامی که اینها صرف نظر نکرده اند باز همین لایحه ای یک حسنی که داشته از ۲۵ میلیون تومان حد اقل صرف نظر کرده در هر صورت امسال که صحبت شد گفتند که آقا ما حاضریم یک طوری قیمت را معین بکنیم که از قیمت فعلی بالا نرود گفتیم ما قبول میکنیم یک شرط شرطش این است که این ۴۵ میلیون تومانی که شما مطالبه میکنید و بحق هم مطالبه میکنید این را اول کنید و صرف نظر کنید بروید بی کارتان گفتند بسیار خوب و حاضر شدند این است ماده ۱۹ و در قرار دادهم هست اولاً در این جا نوشته اند که با توافق طرفین ولی ما اینطور توافق کردیم که بجای اینکه قیمت خلیج مکزیک را بگیرند ۲۵ درصد تخفیف از خلیج مکزیک بگیرند و ده درصد تخفیف که برای مردم قائل میشوند ۲۵ درصد قائل شوند که در نتیجه قیمت بالا نرود و ضمناً این ۴۵ میلیون تومانی که از ما مطالبه داشتند بوجوب مراسم رسمی که بما نوشتند صرف نظر کردند پس ما ماده ۱۹ را باین طرز در قرار داد نوشتیم باقی ماند ماده ۱۶ عرض کردم که هنوز راجع بهاده ۱۶ موافقت نکردیم و تا سه ماه دیگر قرار گذاشتیم که تکلیف ما بعد از سه ماه روشن شود اگر موافقت کردیم فنها و الا بیرون بحکمت این مقدمه مذاکرات دولت بوده است از زمان این کابینه تا اکنون و از گذشته از زمان کابینه آقای قوام تا امروز حالاً ما هستیم در مقابل این عملی که یک قدری از جنبه تئوری خارج بشویم و بجنبه حقیقت برویم یک امتیاز نامه در سال ۱۹۳۳ بسته شده است من که امتیاز داری و این امتیاز را مطالعه کرده ام باید صریحاً عرض کنم که این امتیاز بجز آن قسمت ۳۰ سال تمدیدش هزار درجه بهتر از امتیاز داری بوده ( حائری زاده - خیلی از موادش بدتر است ) تمام مواردی را که آقایان تذکر میدادند بنده یاد داشت کردم همین ماده ۱۶ که باینصورت نوشته شده میدانید در امتیاز داری چه بوده امتیاز داری این است عمل و فعله که در تأسیسات فوق کار میکنند باید رعیت اعلیحضرت - شاهنشاه باشند باستثناء اجزای عملی از قبیل مدیر و مهندس و مباشر مطابق این امتیاز نامه فقط عمل و فعله باید ایرانی باشد باقی هر کسی هست باید فرنگی باشد در صورتی که این امتیاز نامه ماده ۱۶ آن صراحت دارد که باید علاوه بر این که عمل و فعله اش ایرانی باشد تصریح دارد صنعتگران و مهندسی فنی و تبحاری خود را باید از افراد ذیصلاحیت و با تجربه که در ایران یافت میشود انتخاب کنند برای این کار کمیانی عالی

بانهایت مردانگی و شهامت بجای اینکه وقت را تلف چند میلیون لیره خرج میکنند مدرسه دار میکنند اشخاص را بخارج میفرستند و در اینجا بداشگاه کمک میکند برای اینکه الان متخصصینی که در نفت هستند همان متخصصین عالیقامی هستند که در اینجا هستند من تصدیق میکنم که کمیانی نفت این عمل را بد کرده اینجا هم صریح میگویم ماده ۱۶ را خوب اجرا نکرده اند ما هم نسبت بهاده ۱۶ اعتراض داریم ( صحیح است ، احسن ) در اعتراض خودمان هم باقی هستیم این حق دولت تنها نیست حق مردم این مملکت است ، حق مهندس ایرانی است ، حق جوانهای ایران است ما این را از شما نخواهیم گذشت ولی باید این را عرض کنم ، این ماده ۱۶ با آن طرز که نوشته شده اگر اجرا شود آن نظری است که همه ملت دارند و دولت دارد و همه مردم دارند منتها باید خوب اجرا شود عرض کنم راجع بآن شانزده در صدی که از عایدات داریم با این که حق نظارت بدفاتر کمیانی داریم خیلی متأسفم که از تاریخ امتیاز داری تا تاریخ لغوش یک رسیدگی بوسیله ارمیتاز اسمیت که آنهم خودش انگلیسی بود کرد و نظری داده چووقت هیچ زمانی اجازه ندادند که ما دفاتر آنها را رسیدگی کنیم و چیزی در بیاریم **حائری زاده -** حق داشتیم ولی نکردیم **نایب رئیس -** آقای گلشانیان فرمایش آقای خیلی زیاد است ؟ **وزیر دارائی -** چند دقیقه دیگر باقی است عرض کنم که حالا هستیم در مقابل یک رأیته یک حقیقتی ، اقداماتی که دولت کرده بود از باء بسم الله تا ناء تم برای آقایان گفتیم حاضر هم هستیم هر قسمش را هر موقع روز آقایان در وزارت دارائی تشریف بیارند تمام را در اختیارشان بگذارم زیرا هیچ چیز مجرمانه و پوشیده ای ما نداریم هیچ مذاکره شفاهی هم که اتخاذ کنند کسی نتواند بکنند نداریم تمام مذاکراتی که میکردیم در صورت مجلس هائی نوشته میشد یک مترجم بود و یک مترجم آنها و تمام این صحبتها ؟ ما هستیم در مقابل یک قانون موجود بآن جریاناتی که عرض کردم ، دولت یک وظیفه ای داشت که وظیفه اش را مطابق قانون مهرماه ۱۳۲۶ انجام داد بنظر آقایان ممکن است در نحوه قضاوت و تشخیص فرق بکنند ولی قدر مسلم بدانید که نه من و نه این دولت و نه هیچکس در کشور ایران حاضر نیست که بملکت خودش برای اینکه چهار روزی سر کار باشد خیانت بکند ولی صریحاً گفتیم آن کوششی که ممکن بود بنهایت کوشش که ممکن بود چه من و چه همکاران من و چه دولت کرده است این نتیجه است که بمجلس شورای ملی آمده است دولت هم در مقابل این عملی که کرده است یک کار تمام شده ای میدانند یعنی وظیفه خودش را انجام داده است حالا اگر مجلس این عمل دولت را می پسندد البته ما خیلی ممنونیم البته انتظار هم داریم حالاً ممکن است چند نفری از من بدانند بیاید یا از هیکل من خوششان نیاید ( دکتر بقائی - اینطور نیست صحبت هیکل در میان نیست صحبت منافع است ) ولی البته دولت انتظار دارد که وقتیکه یک زحمتی کشیده است اقلاً مورد نظر از نقطه نظر انصاف و عدالت قرار گیرد حالا اگر واقفاً بمجلس شورای ملی معتقد است که دولت عمل بیسی کرده است هیچ مانعی ندارد یک قراردادی است آورده است بمجلس بانهایت مردانگی و شهامت بجای اینکه وقت را تلف

کنید بلند شوید بالاتفاق بگوئید این برخلاف مصالح ایران است و دولت هم بعد از اینکار ساقط میشود و معاکمه میشود و در غیر اینصورت بنده عرض دیگری ندارم ( احسن ) **نایب رئیس -** آقای تقی زاده تقاضا کرده اند که راجع باین موضوع صحبت کنند . **مکی** فردا صبح بفرمائید صحبت کنند . **نایب رئیس -** بفرمائید آقای تقی زاده **تقی زاده -** در اینکه آقای وزیر دارئی شخصاً بسیار زحمت در اینکار کشیده اند و رعایت آنچه را که ممکن بود و باعلا درجه امکان مبذول داشته اند در این بابت هیچگونه ایرادی بایشان نیست و توضیحاتی هم که دادند مفید بود ولی بهتر این بود که اگر از جاده حقیقت خارج نمیشدند دیگر همه ما ممنون میشدیم ولی میخواهم عرض بکنم بنده هم عادت ندارم که چیزی خلاف حقیقت بگویم ولو بضر خودم هم باشد آنچه که بنده شنیدم و فهمیدم این بود که ایشان بیان میکردند که جماعتی را که چند نفری را هم اسم بردند که بنده مسبوق نبودم که از اینها تقاضا شده بود که بیایند در هیئت شرکت کنند آیا تقاضا شده یانه اطلاعی ندارم گفتند تقاضا شد قبول نکردند عوام فریبی کردند ، خودداری کردند پشت سر میروند میگویند وقتی کار مهم و پر مسئولیتی پیش میآید خودشان را عقب میکشند شاید نظرشان طعن و حمله باشخص معینی بود ولی بنده جزو آنها نبودم از بنده هم تقاضائی نشده که بیایم جزو هیئتی شوم که مدافعه کنم و مذاکره کنم اول امر در هشت ماه یا نه ماه یا ده ماه یادم نیست وقتی نماینده کمیانی باینجا آمد آقای وزیر بس یک کاغذی نوشت و گفت من خیال میکنم که بهترین راه اینست که شما در اینکار اقدام بکنید و نماینده نام الاختیار دولت بشوید و من حاضریم همه جور و هر نوع و شکلی که شما مایل باشید شرکت نمائید . خیلی مؤدبانه و معقولانه بود و مفصل ، بنده جواب عرض کردم که بخصوص خودم هر مشورتی که از من بشود مضایقه نمیکنم و هر چه بنظر میرسد بدون ملاحظه وبدون عوام فریبی خواهم گفت و در تمام عزم خیالم این نبود که مردم را بفریبم ولی من عضو مجلس هستم بدون اجازه مجلس نمیتوانم در کار دولت مداخله کنم و دولت مرا نماینده بکنند ایشانهم قانع شدند ولی بعد خبری نشد وقتی که ایشان ، آقای وزیر ماله گفتند که بعضی اشخاص را دعوت کردیم نیاز کردند ، عقب کشیدند فلان کردند اسم من جزو آنها بود من گفتم چه وقت از من دعوت شده ، چه تاریخی ، بچه وسیله ای وجه تقاضائی دعوت شده ام آنوقت اینجا یک کاغذ هائی را خواندند که ایشان بکمیانی نوشته اند و مشورت کردند درست است یک بار مشورت نکردند چند بار مشورت کردند چون بنده گفته بودم که هر مطلبی را که از من بخواهید من در

اختیار شما هستم هر مشکلی برسد حقیقت را میگویم ایشان کاغذی نوشته بودند که قرائت کردند اما این که من بخط خودم نوشتم و گفتم این کلمه اش اینطور باشد بهتر است و این را دلیل دانستند که از من تقاضا کرده اند که بروم جزو آن هیئت بشوم من از روز اول شنیده بودم که این هیئت عبارتست از آقای جهانگیر و آقای پیرنیا و آقای امامی و خودشان و آقای عدل بنده غیر از این تا امروز چیزی شنیدم اما اینطوری را نه عرض کردم صحیح همین است که عرض میکنم یک کلمه بس و بیش ندارد از این بابت هم بآنها کاغذ نوشته اند و تقاضا کرده اند من نمیدانم اما در قسمتی که فرمودند امتیاز و مدتش من آنچه که در مجلس گفتم همانطوری است که در لوح محفوظ خدا ضبط کرده است یک کلمه بیشتر ندارم و بشما مقدسات عالم قسم میخورم که من حقیقت را در مجلس گفتم و اگر ایشان از حدود ادب خارج شدند که سزاوار و شایسته نبود من از حدود ادب خارج نمیشوم و با ایشان آن معامله را نمیکنم گفتند که از امروز معلوم نشد موضوع مدت امتیاز از قبل صحبت شده بود ، من خودم در وزارت ماله بودم آمدیم صحبت و مذاکره بر روی این امتیاز نامه شده نهایت جد و جهد کردیم در مواذش یکماه تمام صحبت کردیم صحبت تمدید در میان نبود آخرش ما بعد اقل موافقت نکردیم ما گفتیم یکمیلیون آنها گفتند مقتصد و پنجاه هزار بعد آن شخص که رئیس بود چون توافقی نشد رفت پیش اعلیحضرت شاه مرحوم و اجازه مرخصی خواست که فردا حرکت کند ، گفت برای چه ؟ خودشان بین فرمودند که من گفتم برای چه میروی ؟ آنها گفتند که ما با وزارت شاسازش نمیکنیم ، خود اعلیحضرت روز بروز در قضیه بودند از جریان قضیه با اطلاع بودند اما اینطور مصحت دیدند گفتند اینها چه میگویند و اختلافشان بر سر چیست من که مسبوق نیستم وقتی که حضور ایشان رفتند و جلسه منعقد شد آنها هم یک مترجم انگلیسی که فارسی میدانست آورده بودند در آنجا وقتی جلسه منعقد شد صحبت مدت بمیان آمده بود و یکبار وقتی جهت مدت را گفتند شاه مرحوم نهایت فحاشی را کرد و این طور فرمودند که این ابتدا نمیشود میخواهید سی سال که ما به گذشتگان لعنت کردیم ۵۰ سال هم آیندگان به ما لعنت کنند این همین عبارتی بود آن شخصی که فارسی میدانست ترجمه کرد و آن شخص میگفت گذر هر حال مرخص کنید آن مجلس نیمه تمام ماند و بعد هم نظر این شد که بروند بجامعه ملل امتیاز نامه را اول لغو کردند و باره کردند بدون این که اول بشا و این حقوق مراجعه کنند آنوقت آنها رفتند بحکمت لاهه و دولت پیش افتاد و گفت کما از دست شما شکایت داریم رفتند بجامعه ملل صحبت کردند ایران که پیش نبرد ولی اشخاصی میان افتادند گفتند یک عمل دیگری برای دولت ایران بکنیم نمیخواهم به کسی دیگر بنویسم بشرایط دلخواه خودشان بشما بنویسم بهمان مدت امتیاز داری آنوقت میآیند این جا وقتی که توافق نمیشد بعد میرفتند بجامعه ملل و جامعه ملل دو باره رسیدگی میکرد و حکم میداد ممکن بود بضرر ایران باشد

این ملاحظه شاه مرحوم را مانع میشد که دو باره اگر چه بر حسب ظاهر وقتی گفتند میرویم بجامعه ملل به آقای علاه و آقای داور گفت که شما هم چه اینها ایشان را به بندید بعد گفتند بهتر این است که دو باره مذاکره را شروع کنید گفتند آمدند روی مدت می اصرار کردند حتی بعد از مدت یک چیز دیگر گفتند ، گفتند ما دوست و سیصد هزارمیل قبول نداریم نصف تمام ایران شد آنها قبول شد که از نصف تمام ایران چند هزار میل مربع انتخاب بکنند در پنج سال بس من خیلی افسوس دارم و هیچ وقت نمیخواهم مواجه بشوم که از طرف یک وزیر کلمه دروغ گفته بشود آنچه که من گفتم خدا را شاهد میگیرم و بتمام مقدسات عالم قسم میخورم و یکی از آن اشخاص دیده است آقای علاه است اگر آقای علاه بیایند عین حقیقت را ایشان میگویند یک قرارداد که قبلاً درست شد و دو سال مذاکره اش طول کشید مرحوم تیمورتاش مأمورش بود اصلاح قرارداد داری بود که یک فرمول اصلاح بکنند که آن امتیاز را بهم بزنند و آخرین وهله شاه مرحوم بتناک آمد گفتند اصلاً این اصلاح را نمیخواهم برداشت انداخت توی بخاری و گفت فسخس بکنید همین امشب فسخس بکنید روز بعد غدیر بود فردای آنروز بروید وزارت ماله کلیدش را باز کنید و فسخس کردند اینک بعضی اشخاص میگویند تپانی ، همچو چیزی ابتدا نبود رئیس کمیانی نفت در یک جایی برای چای دعوت داشت یک کسی از بیرون آمد و گفت روزنامه ای فریاد میکند فسخ قرارداد گفت بگیر بیار آورند دید نوشته است فسخ قرارداد ، این فسخ شد و سه چهار ماه ادامه داشت در اصلاح قرارداد داری مدت کم نبوده است ، در هر حال طول کشید چندین سال پیش از آن و گاه بگاهی شنیده بودیم و اینکه گفته میشود سال ۱۹۳۳ نیست و چندین سال پیش از آنست اینک من عرض کردم عین حقیقت بود و تمام آنچه را که ایشان بیان کردند بایستی اصلاح کنم و تصریح کنم که آنچه که ایشان فرمودند کلیه اش درست بود جز مسئله مدت دروغ بود چون در روزهای آخر بیان آمد ولی این قضیه دعوت که از ما دعوت کرده اند اگر دعوت میکردند و مجلس اجازه میداد با کمال علاقه میرقتم ، بنده هیچوقت شانه از زیر بار مسئولیت از اول تا آخر عمر خالی نکرده ام و امروز صبح خیال میکردم که آخرین حرف خودم را در مجلس میزنم و ایشان مرا مجبور کردند که بیایم این حرفها را بزنم و اگر باز مطالبی گفته شد ناچار بجواب خواهم بود . **نایب رئیس -** پیشنهادی دولت کرده که جلسه امشب تشکیل شود ( دکتر بقائی و مکی - فردا ) آقای مکی مخالفید ؟ **مکی -** آقای دکتر بقائی مخالفند . **نایب رئیس -** آقای دکتر بقائی . **دکتر بقائی -** بنده خیلی خوشوقت هستم از جریانی که امروز در مجلس پیش آمد و از تصادفی که در بعضی افکار پیدا شد یک حقایق شروع به کشف شد البته تا موقعیکه تمام حقایق کشف بشود خیلی طول دارد کما اینکه در فرمایشات جناب

آقای تقی زاده و جناب آقای گلشانیان ما نمایانیم کدام يك راجع بآن قرارداد سه ستاره و آنكه خواسته اند از هایدات قرارداد جدید صد هزار ایره بگیرند اینها کدامشان صحیح است ولی بهر حال يك راه خوبی باز شد که يك حقایقی که برای ملت ایران مجهول بود کشف بشود از این مطلب گذشته پیشنهادی که شده جلسه امشب بشود بنده مخالفت میکنم علتش هم این است همانطور که آقایان ملاحظه فرمودید بعد از این تأثرات و سخنانی که در روز اول طرح این ۱۱ ماده که فوایدش راهیچکس هنوز توضیح نداده است برای ما يك تأثراتی تواید شده بود و يك حالت سرگیجه ای تواید شده بود خوشبختانه حالا افکار قبری آرام شده ولی میبینیم اگر فرصت داده بشود يك راه حل آبرومندی هم

برای دولت و هم برای مجلس یش خواهد آمد باینجه بنده مخالفت میکنم باینکه جلسه شب بشود آقایان افکارشان یکقدری استراحت بکنند يك فورمولی که همه را همه جهات را ملاحظه بکنید و يك صورت آبرومندی حل شود باین جهت من مخالفت میکنم و تقاضا میکنم که آقایان هم موافقت فرمائید که جلسه امشب بشود که فردا صبح با فکر راحت وبدون خستگی بتوانیم بیائیم چون با این خستگی که همه آقایان از یرروز و دیرروز دارند وغالب آقایان هم میدانم که دیشب بسیار ناراحت خوابیدند روی این جریانات که بوده این یکشب را بتوانند استراحت کنند تا با فکر راحت فردا این موضوع را حل کنند بای اینکه مقررسم با این حال خستگی جلسه تشکیل

بشود و نه شما نتیجه ای برسد و بلکه يك صورت نامطبوع قضیه در بیاید بدینجهت از همکاران محترم تقاضا میکنم که با تشکیل جلسه در امشب موافقت فرمائید .

**نایب رئیس** - رأی میکنیم پیشنهاد دولت که جلسه امشب باشد آقایانی که موافقت قیام کنند (اکثر برخاستند) چهل و چهار نفر قیام کردند و تصویب شد جلسه امشب ساعت ۸:۵ بعد از ظهر دستور بقیه نطق آقای مکی .

( جلسه یکساعت و ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد ) .

نایب رئیس مجلس شورای ملی -

امیر حسین طفر ایلیخان